

ارائه الگوی «مرور ساختاریافته مطالعات روان‌شناسی محیطی» در معماری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴

کد مقاله: ۱۱۳۵۲

هادی فرهنگدوست^{۱*}، هیرو فرکیش^۲

چکیده

با مشخص شدن نقش مهم مطالعات روان‌شناسی محیطی و لزوم بهره‌گیری از نتایج آن در فرایند طراحی معماری و شهرسازی در اواخر دوران مدرنیسم، شاهد ارائه نظریات متعدد و مطالعات متنوعی با روش و اهداف متفاوتی از سوی پژوهشگران این عرصه، تا به اکنون بوده‌ایم. انباشت حجم بالا و متنوع این تحقیقات، باعث آسیب‌هایی برای امر پژوهش شده است. پژوهش کیفی حاضر با درک این ضرورت که برای عبور از این مرحله، نیازمند جمع‌بندی و جریان‌شناسی این مطالعات هستیم، به هدف دستیابی به روشی ساختارمند، سعی در ارائه الگویی کرده است که متناسب با یافته‌ها و زمینه مطالعاتی موجود در روان‌شناسی محیطی باشد. بدین منظور با استفاده از روند مطالعات گروندد تئوری، سعی در ارائه الگویی برای بررسی و مرور ساختاریافته منابع کتابخانه‌ای، به‌قصد یافته‌های پژوهشی زمینه نگر کرده است. همچنین ضرورت چنین یافته‌های جدیدی، در ایجاد نظریه اثبات‌گرا مبتنی بر دستاوردهای علمی موجود، مورد بررسی قرار گرفته است. کاربرد این پژوهش علاوه بر پژوهشگران روان‌شناسی محیطی، شامل پژوهشگران عرصه روش تحقیق خصوصاً به شیوه نظریه‌پردازی زمینه نگر نیز می‌باشد.

واژگان کلیدی: تحلیل سیستماتیک، چارچوب علمی، روان‌شناسی محیطی، معماری، مرور ساختاریافته

۱- کارشناس ارشد معماری اسلامی، دانشکده هنر و معماری اسلامی، دانشگاه بین المللی امام رضا ع، مشهد، ایران
h.farhangdoust@imamreza.ac.ir

۲- گروه معماری، استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، ایران

۱- مقدمه

رابطه انسان با جهان هستی (عام)، محیط‌زیست پیرامونی آن (خاص) و محیط کالبدی (اخص)، کلیتی است تفکیک‌ناپذیر که شناخت، تعریف و ساختاریختی به آن (به روش و گفتمان علمی) از یک‌سوی، و فرایندهای ترجمان و به‌کارگیری آن در معماری، از دیگر سوی دغدغه بسیاری از نظریه‌پردازان و پژوهشگران این حوزه بوده است (اقتباس تکمیلی از: امامقلی و همکاران، ۱۳۹۳). روان‌شناسی محیطی، "که در واقع فصل مشترک علوم طراحی محیطی از جمله معماری و علوم رفتاری بوده و باور بر روشمندی امور و پدیده‌ها و ساختار محوری معنادار در آنها را مورد تأکید قرار می‌دهد" (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۵۰)، ضرورتی بود که خود را در نوشته‌های افرادی همچون چرچیل در ۱۹۴۳، نشان داده بود، آنجا که او می‌گوید: ما به ساختمان‌ها شکل می‌بخشیم و از این جا به بعد آنها به ما شکل می‌دهند (به نقل از Gosling, et al, 2014). در حال حاضر، نظریه‌پردازان و پژوهشگران زیادی در این حوزه، (به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم) معتقدند برای دستیابی به چنین هدفی، نیازمند داشتن چارچوب دانش علمی که کل‌نگرانه و سیستماتیک باشد، هستیم. زیرا با آشکار شدن نقش غیرقابل‌انکار روان‌شناسی محیطی در معماری، در نبود چنین نگاه جامعی، می‌توان گفت "ضعف نظریه‌های طراحی و کیفیت پایین فضاهای معماری" (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۲)، از جمله مهم‌ترین نتایج آن است.

از دیگر سوی، "در اواخر دهه ۱۹۸۰ به‌صورت علمی ایرادات مقالات مروری رایج توسط چندین محقق شرح داده شد و بدین شکل گرایش جامعه علمی به سمت جستجو و مرور ساختاریافته افزایش یافت. در دهه ۱۹۹۰ با ایجاد گروه‌های تخصصی، جستجوی ساختاریافته در دنیا رایج شد. (در حال حاضر) به دلیل رشد بسیار سریع علمی، محققین با حجم عظیمی از اطلاعات روبرو هستند. در مواجهه با این انفجار علمی و برای استخراج سریع و دقیق اطلاعات، لازم است افراد به‌صورت ساختاریافته (systematic review)، منابع موجود جستجو نمایند. جستجوی ساختاریافته کمک می‌کند تا سوگیری‌ها به حداقل ممکن برسد و خطاهای تصادفی نیز کاهش یابد. بدین دلیل اطلاعات استخراج شده، بیشترین پایایی و اعتبار را خواهد داشت. هدف از مرور ساختاریافته پاسخ به یک سؤال خاص مبتنی بر نتایج تحقیقات مختلف است. قبل از شروع هر کاری، محقق بایست به‌دقت دامنه تحقیق را مشخص و سؤال تحقیق خود را بیان نماید" (حق‌دوست و همکاران، ۱۳۹۳، صص ۶-۱۰).

پژوهش جاری، باهدف ایجاد الگوی جریان‌شناسی (بررسی و ارزیابی نظریه‌ها) در مطالعات روان‌شناسی محیطی معماری، با نگاهی سیستماتیک صورت‌گرفته است، و در پی آن است که، با روش مرور تحلیلی-تفسیری، در مطالعات حوزه محیط و رفتار، دسته و طبقه‌بندی‌های مبتنی بر مطالعات موجود (زمینه مطالعاتی)، به شیوه موردنیاز برای ارائه یک نظریه‌پردازی اثبات‌گرا، استحصال و توصیف شاخص شناسانه و تحلیل استقرائی کند و در انتها چارچوبی برای (شناخت، نوع محتوا، هدف، جایگاه و ارتباط) این مطالعات، ارائه کند. ضرورت دستیابی به چنین چارچوبی بدین‌گونه است:

- (۱) از لحاظ علم‌سنجی (شاخص، محتوی، ارزش، حوزه شناسی و ...)
- (۲) و در مسیر دستیابی به نظریه‌ای تبیینی و اثبات‌گرا در معماری،
- (۳) و جهت‌شناسی و ارزش‌گذاری مسیر پیموده شده مطالعاتی و اصلاحات احتمالی آن،
- (۴) توجه به علم اطلاعات و دانش‌شناسی و اینکه هر رشته‌ای، مستقلاً باید به سمت مدیریت دانش و توجه به نگاه بنیادین (فلسفه علم و بنیان‌های حکمی - فلسفی) حرکت کند،

قابل بیان است. اتکای نویسندگان این پژوهش در این زمینه به اهدافی است که از یک مرور توسط (Baumeister & Leary, 1997) اراده شده است، یعنی تولید فرضیه، ارزیابی فرضیه مطرح شده قبلی، جمع‌بندی مطالب و یافته‌های جدید در یک حیطه علمی و ارزیابی نقادانه آن، تعیین مشکلات یک حیطه تخصصی و به میزان کمتر روند تولید فرضیه و دانش در یک حیطه خاص که می‌توان گفت تمامی این موارد، در بدنه و یافته‌های پژوهش حاضر تا حدی مطرح شده‌اند.

همچنین در مورد نتیجه شناسی آن در حوزه طراحی معماری، باعث ایجاد الگوهای مبتنی بر دستاوردهای روان‌شناسی محیطی با شیوه نظریه‌پردازی اثبات‌گرا می‌شود، "و البته باید توجه داشت که تنها با بهره‌گیری از الگوها است که امکان تولید و ارائه آثار فاخر معماری به‌دوراز تقلید و تکرار فراهم می‌شود" (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۱). در راستای این هدف پژوهشی، سؤال اصلی این است که چگونه می‌توان به دید سیستماتیک (جامع، منعطف، پایا و روا، مستدل)، به جریان‌شناسی این مطالعات پرداخت؟ تا بتوان به تحلیل وضع موجود، و تبیین وضع مطلوب (آینده‌نگاری علمی) در این زمینه پرداخت.

۲- روش تحقیق

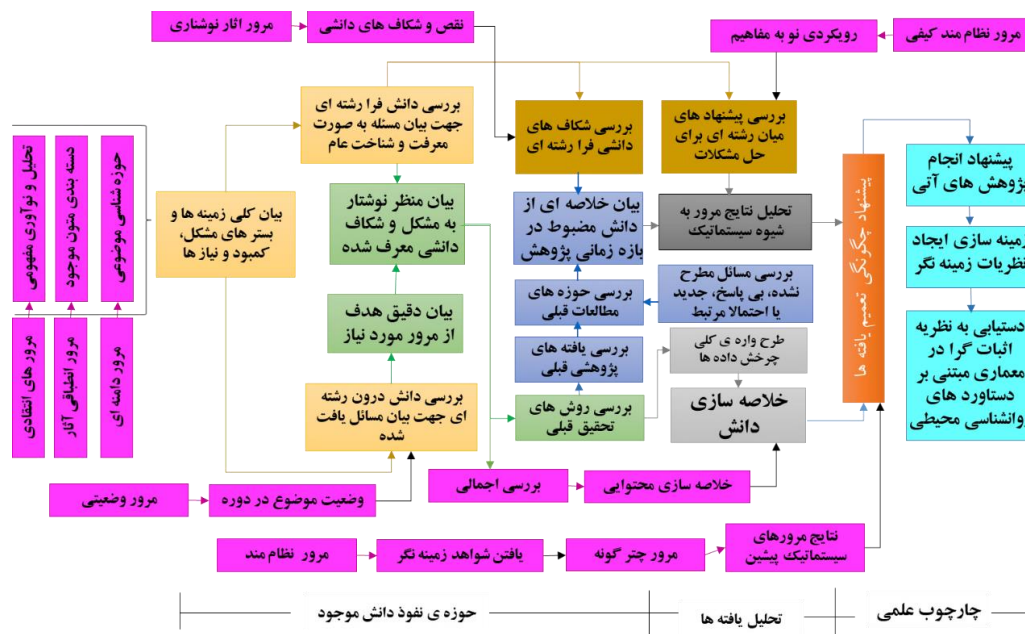
مرور سیستماتیک یا ساختاریافته، شکل مرور منابع کتابخانه‌ای است که روی یک پرسش متمرکز بوده و سعی در ارائه پاسخ با استفاده از تجزیه و تحلیل همه شواهد معتبر موجود دارد. این نوع مرور با استفاده از جستجوی منابع، استفاده از معیارهای ورود و خروج از پیش تعیین شده، ارزیابی نقادانه شواهد، استخراج و تولید داده‌ها از شواهد و تولید یافته از آنها انجام می‌شود (U.S. National Library of Medicine, 2013). سؤال این پژوهش مبتنی روشی ساختارمند برای جریان‌شناسی محتوایی مطالعات روان‌شناسی محیطی در معماری از ابتدای شکل‌گیری این مفهوم در پایان مدرنیسم در معماری معاصر است. به دیگر سخن، نه‌تنها

هدف آن ارائه الگوی مرور سیستماتیک است، بلکه خود نیز چنین است. زیرا این نوع مرور روش انجام دقیق و سختی دارد و بیشتر برای سؤالات متمرکز روی یک موضوع خاص یا فرضیه یکسان (مانند نظریه پردازی اثبات گرا مبتنی بر دستاوردهای روان شناسی محیطی در معماری) به کار می رود (سهرابی، ۱۳۹۲، ص ۵۳). براین اساس منابع کتابخانه ای در بازه زمانی فوق، با استفاده از کلید واژه های اولیه و مرتبط با سؤال پژوهش، مورد بررسی قرار گرفت. براین اساس، در گام بعدی منابع کتابخانه ای بر اساس محتواشان طبق نمودار زیر، مورد دسته بندی قرار گرفته اند.

اهداف	ضرورت	اعتبار سنجی	متغیر شناسی	بداعت	جوانب پژوهش	نظریه ها و فرضیه ها	آثار مطرح
رویکرد ها	انتقادی	تحلیلی	توصیفی				
کاربرد	مقاله های علمی - ترویجی	مقاله های علمی - پژوهشی	کتاب شناسی ها و مقاله نامه ها	رساله دکتری			
زبان و سبک نگارش	انعکاس تحلیلی محتوی "براین نکته تاکید دارد..."، "اعتقاد دارد که..."، "ادعا کرده است که..."، "در یافت که..."، "پیان می دارد که..."	نشان دادن تفاوت بین پژوهش ها "در مقایسه با..."، "در مقابل..."، "هر چند که..."، "در عین حال..."، "بر خلاف..."	نشان دادن تشابه بین پژوهش ها "همچون..."، "مانند..."، "در همان راستا..."				
ساختار و محتوی	مقدمه هدف، چارچوب، دامنه کار و رویکرد	بدنه اصلی سازمان یا نظم ارائه محتوا و چگونگی ارائه	مقدمه (در آمد) هدف، چارچوب، دامنه کار و رویکرد				
نتایج	شناخت بهتر مسئله	ترسیم روند علمی پژوهش	خلاصه کردن پژوهش های پیشین	یافتن منابع جدید			

نمودار ۱- دسته بندی منابع کتابخانه ای به منظور ارزش گذاری محتوایی در مرور ساختار یافته (منبع: فرهنگ دوست، ۱۳۹۸، ص ۱۶۶)

سپس بر اساس میزان ارتباط این منابع با موضوع پژوهش، موارد مرتبط انتخاب و با فرایند زیر، تحلیل محتوا شدند.



نمودار ۲- فرایند پیاده سازی مرور سیستماتیک در پژوهش حاضر (تدوین: نگارندگان با اقتباس از Cochrane Higgins & Green, 2008)

روش تحقیق، از نوع توصیفی (تحلیل محتوایی با روش استدلال استقرائی) به منظور دستیابی به نظام حاکم بین مطالعات (از طریق ارتباط شناسی بین دسته های مطالعات جاری، از بین منابع کتابخانه ای غالباً دست اول) است، و «شامل مجموعه روش هایی است که هدف آنها توصیف کردن شرایط یا پدیده های مورد بررسی، برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری دادن به فرایند

تصمیم‌گیری است» (سرمد و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۸۲). به این صورت که منجر به الگویی برای مرور نظام‌مند مطالعات کیفی (Qualitative Systematic Review) در روان‌شناسی محیطی گردد. دانش حاصل از چنین پژوهش‌هایی معمولاً به شکل‌گیری یک نظریه جدید، تحلیلی جامع‌تر، بازگویی یک نظریه و در مجموع رویکردی نو به روان‌شناسی محیطی می‌انجامد، زیرا رویکرد در این مرور بر گرد هم آوری تاکید ندارد بلکه برخلاف در پی تحلیل پدیده و گسترش ابعاد مفهومی آن، خصوصاً در ارتباط با معماری است.

۳- بررسی مطالعات روان‌شناسی محیطی

پیشینه مطالعات در روان‌شناسی محیطی (همانند بسیاری از کلیات آن)، موردتوجه و بحث بسیار قرار گرفته است. می‌توان گفت، تنوع نظرات و تعاریف ارائه شده درباره کلیات روان‌شناسی محیطی اگرچه بر اساس مغفول ماندن بحث رابطه بین انسان و محیط (نقدبیشی، ۱۳۹۳) در پایان مدرنیسم بوده، و تلاش‌هایی برای "اثتلاف بین معماری و علوم رفتاری" (رازجویان، ۱۳۷۵) بوده، ولی در عین حال، خود نشانی بارز از ساختار نیافتگی آن است، و صحبت در این باره، روش تحقیقاتی خاص و مجالی مجزا می‌خواهد. (کدیور، ۱۳۷۹) معتقد است که مبانی معرفت‌شناسی رفتارگرایی را، می‌توان در مکتب فکری فیلسوفان (تجربه‌گرایان) انگلیسی قرن ۱۷ و ۱۸ یافت. (پارسا، ۱۳۷۴، ۴۸) بیان می‌کند که تبدیل روان‌شناسی به علمی دقیق و تجربی محور، (عینی، قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری)، حاصل ظهور رفتارگرایی در روان‌شناسی (دوران مدرن) بوده است. در این زمینه (حقیقت، ۱۳۷۸) معتقد است به علت استفاده رفتارگرایی از گفتمان نظریه‌پردازانه اثبات‌گرایی و مطالعات عینی، زمینه و کاربرد نگر (R.T:Eryaman, 2010)، به پارادایمی غالب در قرن بیست تبدیل شده است. به صورت کلی، موارد زیر به عنوان کلیات نظری، در روان‌شناسی محیطی مورد بحث قرار گرفته است:

جدول ۱- کلیات نظری مطرح شده در مطالعات روان‌شناسی محیطی در معماری (منبع: نگارندگان)

موضوع مطالعاتی	مصادقات‌های مطالعاتی	نقش آن‌ها در ساختار یافتگی علمی
کلید واژه‌ها و تعاریف آن‌ها	رفتار، محیط، مکان، ادراک، انگیزش، رفتارگرایی، سطوح محیط، روان‌شناسی محیطی	تعیین معنی و مفهوم لغات از جهت مورد اراده این رشته، حدومرز مداخله نسبی مفاهیم
ریشه و عامل شناسی	کمبود و نقص‌های علمی در رشته‌های مختلف محیطی	تبیین مبانی فلسفی و نظری
توسعه دهندگان	بررسی نقش مطالعات محققین نسل‌های مختلف	عمر، عصر و بستر شناسی رشته علمی
موضوع شناسی	موضوعات مفهومی و نظری	بسط مبانی نظری به مبانی کارکردی
محور شناسی	موضوعات کاربردی و عملی	ارتباط بین مبانی نظری و اجراییات
ضرورت شناسی	مرور نقاط قوت و ضعف	اصلاح و گسترش محتوایی
جایگاه شناسی	تجربیات جهانی و بومی	مطابقت مطالعات با واقعیت و امکانات
محتوی سنجی	جریان، موضوع، کاربرد، رویکرد، نظریه و مکاتب شناسی	شاخص‌های تفکیک و ارتباط شناسی مطالعات

۳-۱- پیشینه مطالعات جریان‌شناسی در روان‌شناسی محیطی

آنچه مهم‌تر به نظر می‌رسد، تفاوت پژوهش حاضر با تلاش‌های همسوی قبلی است. می‌توان گفت در نبود نگاه سیستماتیک و مبانی فلسفی مستقل، مطالعات جریان‌شناسی پیشین بیشتر از نوع رویکردشناسی (شناختی، رفتاری، کارکردی و ...) بوده و با نگاهی با دایره المعارف‌های روان‌شناسی محیطی همچون (Fleury-Bahi, et al, 2017)، می‌توان آنها را به این صورت زیر، توصیف کرد:

(۱) غالباً با نگاه جزئی‌نگر، تفکیک شده از سایر علوم و نگاه درون رشته‌ای، و نیازهای آنی شکل گرفته‌اند و همین مسئله، دامنه کاربرد و پوشش محتوایی آنها را، محدود کرده است. حال آنکه کمتر می‌توان زمینه‌ای را یافت که بتوان با نگاهی تک‌بعدی (مثلاً صرفاً کارکردی و فارغ از نگاه مثلاً شناختی) به حل مسئله آن پرداخت. به دیگر سخن، روان‌شناسی محیطی در بیشتر آثار، محدود به رفتارگرایی است، و (کدیور، ۱۳۷۹) بیان می‌کند که برخی معتقدند گسترش تک ساحتی رفتارگرایی، موجب شیفتگی بیش از حد نسبت به عینیت و کارایی (در مقابل جنبه‌های ذهن‌گرایی) گردیده و انسان را به صورت منفعل (و جانب‌داری مکانیکی و مادی‌گرایانه) نسبت به محرک‌های محیطی درآورده است. این ضعف در آموزش‌ها و پژوهش‌های رفتارگرایی را (Clements & Ellerton, 1996:68)، به سلب آزادی، انتخاب‌گری و مسئولیت ناشی از سلب آن فرد، تعبیر می‌کنند. به دیگر سخن، خلاقیت و انعطاف در این جزئی‌نگری نیست.

(۲) به مصداق تفکر و روش علم در دوران پست‌مدرنیسمی، بیشتر این مطالعات با فرض ثابت، مستقل یا یکسانی مبانی نظری و فلسفی (در میان داشته‌های علمی)، و با این فرض که "امروزه مطالعه بسیاری از علوم بدون بررسی تاریخی آن علوم، ممکن است، زیرا بسیاری از مباحث مطرح شده در علوم مختلف پس از گذشت زمان جایگاه واقعی خود را از دست داده، جای خود را به مباحث و مسائل جدیدتری می‌دهند" (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۶، ۲۳)، انجام گرفته‌اند و این در حالی است که "میان آنچه در نظام

روان‌شناسی فلسفی مطرح بوده و آنچه امروزه در روان‌شناسی نوین مطرح می‌شود، پیوند عمیقی وجود دارد، و اگرچه امروزه قلمرو روان‌شناسی به سرزمین‌های کوچک‌تری تقسیم شده است " (همان)، ولی، هیچ مبنی فلسفی خاصی، عامل این تنوع در نگاه پژوهشگران محیطی، معرفی نشده است. بلکه بیشتر با اساس هدف نهایی، تفکیک شده است، نه تفکیک پایهای و ریشه‌ای. درحالی‌که چندین نتیجه متفاوت، از مبانی نظری یکسان، بیشتر جنبه هرمنوتیکی دارد تا واقع‌گرایانه. مثلاً یکی به‌واسطه افزایش دانایی نسبت به محیط، شناختی نامیده شده و... " به همین دلیل اگر نتوان از تداوم روش‌ها در قلمرو روان‌شناسی سخن گفت لااقل می‌توان از تداوم پرسش‌ها سخن به میان آورد " (همان)، پس هر نوع نام‌گذاری دیگری برای جنبه‌های روان‌شناسی محیطی متناسب با زمینه‌های جدید، یا برداشت‌های متفاوت نیز ممکن خواهد بود، حال آنکه از پشتوانه مبانی نظری - فلسفی، محروم باشد که چنین امری با فلسفه علم، نیز ناسازگار است (هرچند با مبانی نظری پست‌مدرنیسم که بر مبنی عدم قطعیت و کلی بودن هیچ پدیده‌ای شکل گرفته، سازگار است) و قابلیت اتکا به نتایج را برای تولید نظریه‌پردازی اثبات‌گرا، کمتر از همیشه کرده است و صرفاً انجام چنین تحقیقاتی، باعث افزایش شناخت محیطی - فرایندی می‌گردد (نظریات هنجاری می‌سازد نه اثباتی).

(۳) **هم‌پوشانی** محتوایی به‌واسطه عدم بیان شاخص‌های تفکیک شون‌دگی مطالب، باعث شده بسیاری از مطالب، با مشکلات ساختاری در کنار یکدیگر به شکلی متناقض، در مطالعات ارائه شوند که باعث عدم کاربرد این تفکیک‌شدگی‌ها در عمل و اقدام، به‌واسطه محدود بودن آن صرفاً به بعد **نظری**، از یک سو، و عدم جامعیت و ارتباط آنها نسبت به یکدیگر و مطالعات متنوع این حوزه، شده است و نشان از نگاه **یک‌جهته** و غالباً نظری در هر شاخه از این دسته‌بندی‌ها است. مثلاً ملاک‌های طراحی مبتنی بر کارکردگرایی، با ملاک‌های طراحی مبتنی شناخت، ارتباط معنی‌داری پیدا نمی‌کند. چرا که شناخت فاز مطالعاتی قوی‌تری دارد، یا کارکردگرایی ارتباط قوی‌ای با مبانی نظری ندارد و... چنین انتقادی را افرادی همچون (Painho et al, 2007)، ناشی و برگرفته از ماهیت نظریات رفتارشناسی (و محدود دانستن روان‌شناسی محیطی به حوزه‌های رفتارگرایی) می‌داند که در آن حصول ادراک محیطی، به‌صورت فرایندی محیطی، غالب و مستقل از انسان (و تفاوت‌های ناشی از تنوع نژاد، جنسیت، سن و...) تعریف شده است.

(۴) همچنین باتوجه‌به نبود نگاه **علم‌سنجی**^۱ به‌صورت مستقیم در این مطالعات، پیشینه یابی به‌صورت تفسیری و در مسیر نیازهای مرور ساختاریافته صورت نگرفته است، زیرا نگاه سیستماتیک و علم‌سنجی، غالباً جزء اهداف پژوهشی مستقیم آن مطالعات نبوده است. در نتیجه با نگاهی کل‌گرایانه و در بیان ماحصل گونه (جریان شناسانه)، از پژوهش‌های پیشین باید گفت، "کاستی بسیاری در دیدگاه‌های فکری طراحی، درک عمومی و پیچیدگی‌های زندگی و قابلیت‌های الگوهای محیط ساخته شده برای تأمین نیازهای انسان وجود دارد " (لنگ، ۱۳۸۶، ص ۱۳) که از عوامل آن می‌توان به موارد زیر، اشاره کرد:

(الف) اول آنکه "متأسفانه نتیجه‌گیری راجع به کارکرد یک طرح خاص، بیشتر از تجربه علی محیطی، به دست می‌آید تا از بدنه دانش منظم و سازمان‌یافته " (همان)؛ زیرا اگرچه رابطه انسان و محیط، حاصل تعامل است و "تعامل اجتماعی در خلأ رخ نمی‌دهد" (کامل‌نیا، ۱۳۸۸)، ولی افرادی همچون (راجرز، ۱۳۸۳) معتقدند که در طراحی پایدار باید به (مقولات نظری همچون) پایداری اجتماعی و اقتصادی (به شیوه‌ای علمی و سازمان‌یافته و) به‌اندازه مصرف انرژی و تأثیر محیطی ساختمان‌ها و شهرها اهمیت داده شود.

(ب) دوم آنکه "پایه معرفتی و مبنای نظری هر حرفه‌ای نیاز به یک ساختار اولیه قوی دارد. در حال حاضر اساس مبانی نظری معماری بر دیدگاه‌های افراد معمار یا مکاتب فکری معماری استوار است " (همان). همچنین "نظریه‌های هنجاری دیگر نمی‌توانند پاسخگوی پیچیدگی‌های محیط زمینه و زمانه باشند و تکیه بر نظریه‌های اثباتی برای کمک به این روند از اهمیت خاصی برخوردار است " (نقدبیشی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۷۶).

(ج) "روان‌شناسان می‌کوشند رفتار آدمیان و جانوران را توصیف و پیش‌بینی می‌کنند، و علت‌های رفتار آن‌ها را توضیح می‌دهند" (ویتیک، ۱۳۸۶، ص ۱۳) و محیط "به‌عنوان مشخصه‌ای سبب‌ساز رفتار و هم‌پیامد و معلول رفتار" (آلتمن، ۱۳۸۲، ص ۷) است. در عمل، تابه‌حال در "نبود مدل جامع از انسان و نیازهای او بر اساس دیدگاه فلسفی و نظری مشخص" (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۲) شاهد مقطعی، ناکافی و ناکارآمدی بسیاری از مدل‌های ارائه شده نسبت به نیازهای متنوع انسانی بوده‌ایم. یعنی درحالی‌که استفاده از نتایج روان‌شناسی محیطی در رویکردهایی مثل طراحی پایدار، باید "رابطه موزون طبیعت و محیط ساخته شده را تشویق کند و به‌صرفه جویی در مصرف انرژی و منابع طبیعی کمک کند" (همان، ص ۲۵۰)، ولی به نظر می‌رسد که پرداختن به جنبه‌های خاص، باعث غفلت از برخی نیازهای دیگر شده است. به‌گونه‌ای که می‌توان نتیجه گرفت، "کاستی‌های موجود در اغلب روش‌های فعلی طراحی معماری از یک فقدان فراگیر که همانا عدم درک پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های زندگی و تفاوت‌های الگوهای ساختار محیطی مردمی است، ناشی می‌شود" (لنگ، ۱۳۸۶).

۳-۲- جریان‌شناسی محتوایی مطالعات روان‌شناسی محیطی

پژوهش حاضر، با استفاده از تعریف مرور ساختاریافته (از ابعاد محتوایی، روشی و ساختار گزارش‌دهی)، جنبه‌های زیر را نسبت به نتایج مطالعات جریان (رویکرد) شناسی پیشین، مورد استحصال قرار داده است:

(۱) نیاز به جریان‌شناسی‌ای وجود دارد که نگاه و دسته‌بندی جامعی از **جریان‌ات فکری غالب**، دیدگاه‌ها تحلیلی - تفسیری پیرامون آنها، و مبانی نظری موجود در حوزه روان‌شناسی محیطی ارائه کند، به‌گونه‌ای که محققان بتوانند از این طریق به **درک** کامل و جامعی تری از ادبیات نظری موجود در این حوزه دست یابند. زیرا "ادراک انسان از محیط از محوری‌ترین مقولات در روان‌شناسی محیطی است" (نمازیان و قارونی، ۱۳۹۲، ۱۲۶).

(۲) دسته‌بندی‌هایی که برای جنبه‌های مختلف روان‌شناسی محیطی ارائه می‌شوند، باید بر اساس **ماهیت محیط و ارتباط با انسان**، در هر بخش صورت گیرد. زیرا مبانی نظری متفاوت و متنوع در این حوزه، به تعریف این ماهیت‌ها شکل متفاوتی داده است. مثلاً (لطیفی و سجاذزاده، ۱۳۹۴، ص ۶) معتقدند "در متون نظری برنامه‌ریزی و طراحی شهری، تعریف‌های متعددی از مفهوم کیفیت محیط وجود دارد. این برداشت‌های گوناگون، بر اساس زمینه فکری صاحب‌نظران یا نحوه انتخاب شاخص‌ها از سوی آنها شکل گرفته‌اند." همچنین (Van Kamp et al, 2003: 5-18) معتقدند که این امر می‌تواند در نتیجه ارتباط یا هم‌پوشانی این مفهوم با مفاهیم مبهم و پیچیده دیگری همچون پایداری باشد.

(۳) باتوجه به ماهیت میان‌رشته‌ای بودن روان‌شناسی محیطی از یک سو، و محدود بودن قاب مطالعات پیشین به رفتارگرایی (و لزوم دقت در آزمایش‌ها و محدودکردن متغیرها)، (کدیور، ۱۳۷۹) معتقد است که رفتارگرایی محدود به پاسخ و بررسی‌های سطحی است و از ورود به حیطه‌های پیچیده، اجتناب نظری دارد. پس از ورود سایر دیدگاه‌ها همچون شناختی و... به روان‌شناسی محیطی، و آشکار شدن جنبه‌ها و لایه‌های بیشتری از محیط و رابطه انسان با آن، مشخص شد که دیدگاه‌های فوق، جامعیت کافی ندارند و هنوز به قطعیت علمی نرسیده‌اند. تا رسیدن به آن درجه از قطعیت و تعمیم‌پذیری، لزوم تفکیک یافته‌ها به دودسته کلی: ضمنی و صریح، باید موردتوجه محققین قرار گیرد. بدین صورت امکان **استفاده مستقل** از یافته‌های ضمنی در بخش‌های متنوع و کمتر مرتبط با معماری، به‌صورت مطلوب‌تری برای محققان فراهم گردد و درعین‌حال، نقش صریح آن متغیرهای قابل‌مشاهده در معماری نیز حفظ شود.

(۴) عدم شناخت جامع از سطوح قابلیت‌های محیط، چگونگی ادراک آن و رابطه آن با نیازهای انسانی (همان) و (مطلبی، ۱۳۸۵) و عدم تفکیک‌پذیری کامل این قابلیت‌های محیطی از حوزه‌های پدیدار و هستی‌شناسی (اقتباس از رضایی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۵۷)، (مثلاً افرادی مثل (Relph, 1976)، مکان را کاملاً پدیدار انگارانه معرفی می‌کند)، نشان از عدم بلوغ و احاطه کافی غالباً طراحان، و نوعی شکاف دانشی - روشی در روان‌شناسی محیطی دارد و عدم قطعیت یافته‌ها را تقویت می‌کند. پس نیاز به طی شدن روش علمی، و متعاقباً بودن چارچوب مشخص علمی است. مثلاً (بنتلی، ۱۳۸۵، ص ۲۱) معتقد است که فارغ از فرایند و ارتباط عوامل مختلف محیطی همچون نفوذپذیری، گوناگونی، خوانایی، انعطاف‌پذیری، غنای حسی و...، این عوامل در ارتقای سطح پاسخ‌دهی محیط ساخته شده بشر، با تقویت فرصت‌ها (از طریق به حد اعلاء رساندن گستره گزینه‌های قابل‌عرضه به مردم)، مؤثرند.

(۵) پرداختن به تعاریف، گفتمان و طبقه‌بندی‌های جزئی و درون رشته‌ای درباره حتی مفاهیم پایه‌ای همچون "محیط" به‌جای تعاریف کلی مبتنی بر هستی‌شناسی (Porteous, 1977) و (جلیلی، ۱۳۸۹). گرچه به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر تلاش‌های مناسبی برای ارائه تعریفی جامع نسبت به واژگان کلیدی این رشته شود، ولی پیچیدگی‌های مفهومی در حتی مبحث تعاریف واژگان کلیدی (که موضوعی تکرارشونده در سرتاسر مطالعات محیطی است (اقتباس از: مک اندرو، ۱۳۸۷)) در کنار سایر عوامل، منجر به عدم شکل‌گیری چارچوبی علمی و جامع‌نگر، شده است به‌گونه‌ای که صرفاً نگاه درون رشته‌ای گسترش میابد نه اینکه به نگاهی جامع و منعطف علمی و همسوی با سایر یافته‌های علمی رشته‌های مرتبط منجر شود.

(۶) گرچه شکل‌گیری روان‌شناسی محیطی، بر اساس نیازهای اجبارگونه (فضاهای کسالت‌آور، جرم‌خیز و... (امامقلی و همکاران، ۱۳۹۳) که بر بروز ناهنجاری‌های اجتماعی - روان‌شناختی مخاطبینش تأثیرگذار بود (نمازیان و قارونی، ۱۳۹۲)) بوده است، ولی به نظر می‌رسد اولین تلاش‌ها برای دستیابی به "یک رویکرد که بتواند انگیزه‌ها و احتیاجات انسان را متکی بر زمینه‌های مختلف موجود در معماری، روان‌شناسی، علوم اجتماعی و انسان‌شناسی در برگرد و ماهیتی بین دانشی داشته باشد" (همان)، را می‌توان **هدف‌گذاری** فعلی برای میان‌رشته‌ای روان‌شناسی محیطی، از بُعد محتوی دانشی دانست که با شرایط خاص آن، در ابتدای شکل‌گیری این میان‌رشته‌ای متفاوت است. برای دستیابی به چنین اهدافی، نیاز مبرمی به وحدت رویه در مفاهیم کلیدی و درعین‌حال منعطف از بعد روش، وجود دارد. زیرا نه تنها در معماری که در طراحی شهری نیز، افرادی همچون (لینچ، ۱۳۷۶، ص ۱۶۳) به معیارهای انسانی توجه داشته و معتقدند شکل شهر باید حامی عملکردهای حیاتی، نیازهای بیولوژیک و توانایی‌های انسانی باشد و از همه مهم‌تر چگونه بقاء همه موجودات را ممکن سازد.

(۷) نبود دیدگاهی واحد نسبت به کارکرد، هدف و روش درباره روان‌شناسی محیطی، به‌گونه‌ای که از همان آغاز کار تابه‌حال، در تعاریفی که افرادی مختلف (جدول ۲) از روان‌شناسی محیطی ارائه کرده اند، مشهود است. فارغ از دلایلی همچون چند وجهی

بودن روان‌شناسی محیطی و موضوعات مطرح در آن، دلیل عدم ساختار یافتگی علمی در این میان‌رشته‌ای (از بُعد مدیریت دانش)، خود را در برداشت‌های متفاوتی حتی درباره کلیدی‌ترین اصول، بگونه‌ای نشان داده است که به نظر می‌رسد "برای مقابله با این فقدان، به ساختاری منطبق و منظم از دانشی که بر پایه آگاهی از نتایج استوار باشد نیاز است" (نقدبیشی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۷۶).

جدول ۲- برداشت‌های متفاوت از اهداف و روش مطالعاتی در روان‌شناسی محیطی، در تعاریف نظریه‌پردازان متفاوت (اقتباس تکمیل شده از: امامقلی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۵)

ارائه	تاریخ	دیدگاه کلی درباره روانشناسی محیطی	اهداف مطالعاتی	روش مطالعاتی
کریک	۱۹۷۰	گونه‌ای محیط‌گرا از مطالعات روان‌شناختی است	ارتباط‌شناسی بین رفتار و محیط کالبدی	(۱)
گرامان	۱۹۷۶	مکمل روان‌شناسی عمومی است	توجه به نقش محیط در فرایندهای رفتاری	(۲) و (۳)
کانتر	۱۹۸۱	روانشناسی رفتار فرد در بستر فیزیکی- اجتماعی	حالت‌شناسی رفتار انسان در ارتباط با محیط	(۴) و (۹)
راسل	۱۹۸۲	بخشی از (روان، جامعه و محیط) شناسی	فرایند‌شناسی رابطه انسان و محیط	(۶)، (۱۰) و (۱۱)
هالاها		بخشی از (رفتار، تجربه و محیط) شناسی	بررسی حوزه‌های مشترک بین انسان و محیط	(۷) و (۸)
پروشانسکی	۱۹۹۰	بخشی از (رفتار، روان، جامعه و محیط) شناسی	حالت‌شناسی ارتباط فرد و محیط	(۴) و (۵)
گیفورد	۱۹۹۷	بررسی چندسویه رفتار در قرارگاه (های) رفتاری	فرایند‌شناسی شکل‌گیری قرارگاه‌های رفتاری	(۱۰) و (۱۱)
راهنما	(۸)- تجربی (۹)- نظری (۱۰)- توسعه‌ای (۱۱) انواع روش‌های مطالعاتی: تطبیقی (۱)- برون‌رشته‌ای (۲)- میان‌رشته‌ای (۳)- تحلیلی (۴)- تفسیری (۵)- ساختاری (۶)- موردی (۷)- پیمایشی			

(۸) نیاز به توجه به حوزه زمانی در زمینه تأثیرات دوسویه انسان - محیط. به نظر می‌رسد به صورت مستقل نیاز به تحقیقاتی برای توجه به میزان پایایی تأثیرات انسان - محیط در طول زمان باشد. زیرا "مقیاس زمان در فضاها، متفاوت است" (محمودی و شکیبامنش، ۱۳۸۴). مثلاً می‌توان تأثیرات را از این جنبه، به کوتاه، میان و بلندمدت تقسیم‌بندی کرد، تا بتوان از یک سو به جنبه‌های مادی ابنیه در طول زمان (گفتمان مدیریت پروژه، برنامه‌ریزی پیش‌دستانه مبتنی بر متره و برآورد، اصول معماری پایدار و توجه به حفاظت از محیط‌زیست، افزایش طول عمر بهره‌برداری، کاهش هزینه‌های تعمیر و نگهداری ...) و از دیگر سو به جنبه‌های معنوی ابنیه در طول زمان (توجه به جنبه‌های روان‌شناختی احداث کاربری‌ها در طول گذشت زمان بر فرد و جامعه، نقش کارکرد ابنیه در ایجاد هویت شهری و تعلق به مکان و کیفیت آفرینی ...)، توجه هم‌زمان داشت. زیرا از یک سو آلدو روسی در کتاب معماری شهر ذکر کرد فرم‌ها به شکل ذاتی واجد کیفیت‌هایی هستند که بی‌زمان هستند و قادرند با پذیرفتن عملکردهای گوناگون در عصرهای مختلف تداوم تاریخی یابند (به نقل از: کرامتی، ۱۳۸۷) و از دیگر سو تحقیقات نشان داده است جوامعی که در روابط مهم انسانی زمان بیشتری صرف می‌کنند شاهد تنش کمتری هستند (لنگ، ۱۳۸۶، ص ۱۵). پس می‌توان گفت توجه به پایایی سازه‌های بشر ساخت باعث "به گوش رسیدن آوای گذشته به مفهوم قابل قرائت بودن میراث فرهنگی، و لحاظ نمودن پیوندهای بومی - منطقه‌ای" (violich, 1983) می‌گردد.

(۹) روان‌شناسی محیطی یک تخصص میان‌رشته‌ای است که گستره کاربرد و استفاده آن را در تخصص‌های زیر می‌توان مشاهده نمود (حاتمی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۴):

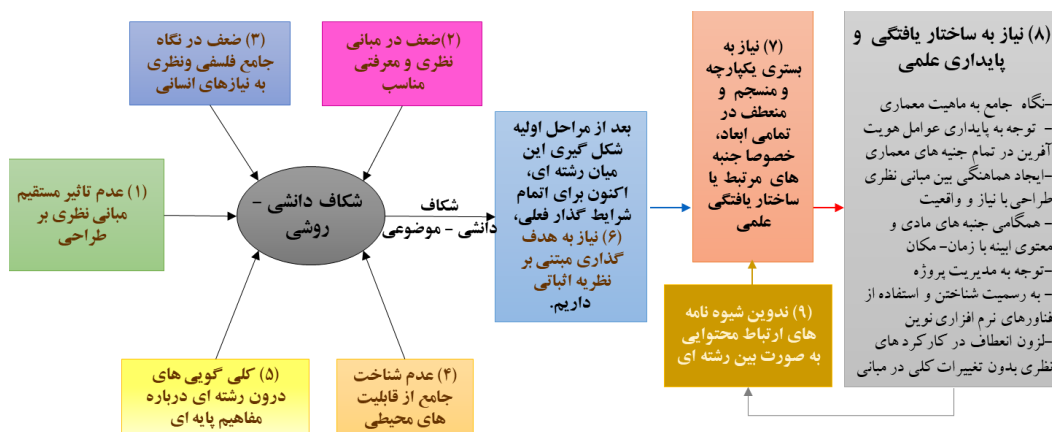
Architectural psychology, Socio-architecture, Ecological psychology, Eco psychology, Behavioral geography, Environment-behavior studies, Environmental sociology

حوزه‌های متنوع و مرتبط با روان‌شناسی محیطی، باعث پیچیدگی محتوایی - روشی، آن شده است. مثلاً (فلاح، ۱۳۸۵) معتقد است که "ارتباط با مکان را می‌توان از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرارداد. برای نمونه از لحاظ مقیاس می‌تواند در سطح یک کشور یا شهر، بزرگ باشد؛ می‌تواند در سطح متوسط، یک محله باشد و یا حتی کوچک‌تر از آن، به اندازه یک‌خانه باشد. همچنین می‌تواند ملموس یا سمبلیک، تجربه شده یا نشده، شناخته شده یا ناشناخته باشد که در افراد مختلف روابط حاصل از ارتباط با مکان‌های متنوع حس‌های متفاوت از هم ایجاد می‌کند که به ویژگی‌های فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی آن مکان ارتباط پیدا می‌کند". یا (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۷۰) بیان می‌کند که در مورد کیفیت تعامل انسان با محیط، سه نظریه روان‌شناختی مطرح شده که شامل نظریه «تعیین‌کنندگی محیطی» نظریه «مکان‌دهندگی محیطی» و نظریه «احتمال‌دهندگی محیطی» می‌باشند.

در نتیجه به نظر می‌رسد که لزوم تدوین شیوه (نامه) های ارتباط علمی بین‌رشته‌ای، بیش‌ازپیش نمایان شده است. زیرا پژوهشگران نیازمند حرکت بر مسیری هدفمند هستند، تا مسیر تحقیقاتی خود را، در راستای مفاهیمی معین به نتیجه برسانند. در نبود سازوکار مناسب، ارزشیابی مطالعات نیز مشکل خواهد بود. زیرا همین پیچیدگی در روش تحقیق آنها نیز بروز خواهد کرد. "در این شرایط، یکی از پشتیبانی‌های علوم رفتاری برای معماری، روشن ساختن فرایندهای پیچیده گردآوری درونداها و تصمیم‌گیری‌ها است که خود به‌عنوان بخشی از فرایند طراحی به شمار می‌آید و چنانچه علوم رفتاری بخواهد داده‌های سودمندی به معماران عرضه نماید، باید پاسخگوی مسائل عملی معماری باشد" (نقدبیشی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۷۶). در این زمینه (Barker,

1968:94)، با محدود ساختن جنبه‌های مختلف ارتباط انسان و محیط به چارچوب قرارگاه رفتاری، معتقد است قرارگاه رفتاری دو بخش ساختاری و پویا دارد. او معتقد است اجزای سازنده قرارگاه رفتاری، علاوه بر ارتباط درونی با یکدیگر، با سایر قرارگاه‌های رفتاری نیز مرتبط‌اند.

به نظر می‌رسد در نبود دیدگاه بنیادین، یا نظریه‌پردازی اثبات‌گرا، و چارچوب علمی مشخص برای روان‌شناسی محیطی (حیطه‌ها، اهداف و روش‌ها و...)، شاهد انباشت منابع متنوعی در طول حیات این میان‌رشته‌ای بوده‌ایم. یکی از مهم‌ترین اهداف این پژوهش، مشخص‌سازی و تدقیق پارادایم‌های اصلی در حوزه روان‌شناسی محیطی، با استفاده از منابع بوده است. به‌جای تدقیق با علم و استقراء و توصیفات نویسندگان (و شیوه پژوهشی)، از شیوه مرور ساختاریافته استفاده شده است. پس از مطالعات موجود در گام نخست، برای اثبات پایایی و روایی دسته‌بندی ارائه شده، استفاده شده است. زیرا یک مقاله مروری خوب، مقاله‌ای است که به خواننده کمک کند تا در ارزیابی موارد موافق و مخالف راحت‌تر تصمیم‌گیری کند و در صورت نیاز برای کسب اطلاعات و یا اطمینان بیشتر بتواند به منابع کلیدی اشاره شده مراجعه نماید (ملبوس باف و عزیزی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۷).



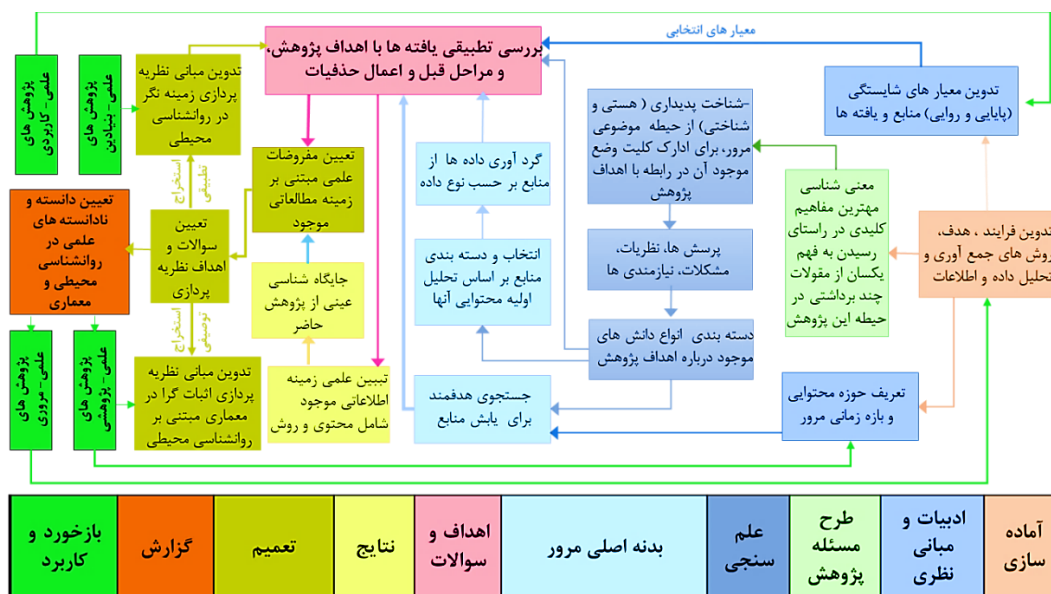
نمودار ۳- دستاورد شناسی مطالعات پیشین در زمینه کمبودهای مطالعاتی-نظری در روان‌شناسی محیطی (منبع: نگارندگان)

۴- یافته‌ها

در دوران معاصر که نظام معرفت‌شناسی در برهه پارادایم‌گرایی است، با استناد به نظریه کوهن (منعکس در کتاب انقلاب علمی)، نخست اینکه، "در بحث تکامل علوم دو مرحله مهم پیش پارادایمی (preparadigmatic) و پارادایمی (paradigmatic) مطرح می‌شود. مرحله پیش پارادایمی برای هر علم مرحله‌ای است که آن علم در قالب مکاتب فکری مختلف عرضه می‌شود و تشتت آرا و نظام‌ها در آن وجود دارد. گذر از مرحله پیش پارادایمی و ورود به مرحله پارادایمی مستلزم حذف چنین تشتت و حاکم شدن یک نظام در قالب الگو و سرمشق است"، دوم اینکه "پارادایم‌ها همیشگی نیستند و امکان جایگزینی یک پارادایم به‌جای پارادایم دیگر که کوهن از آن به‌عنوان انقلاب علمی یاد کرده وجود دارد" (فتحی آشتیانی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۸). تلاش‌های انسجام‌یافته طراحان و پژوهشگران در زمینه روان‌شناسی محیطی (در حقیقت تکمیل مراحل پیش پارادایمی)، از دهه شصت میلادی بر اساس ضرورت اجتماعی برای طراحی و ساخت ابنیه به‌صورت همساز با خواست‌های پیچیده انسان معاصر، شکل گرفته است که در نهایت، بر ایجاد زبان مشترک، با ساختاری پارادایم گونه در جریان است تا که بتواند "انگیزه‌ها و احتیاجات انسان را متکی بر زمینه‌های مختلف موجود در معماری، علوم اجتماعی، روان‌شناسی و انسان‌شناسی در برگیرد و ماهیتی بین‌دانشی داشته باشد" (نمازیان و قارونی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۳). در این مسیر، باتوجه به ماهیت کل‌نگر در تحقیقات جریان‌شناسی، نیازمند دیدگاه سیستماتیک برای توسعه محتوایی می‌باشیم، زیرا از همان دهه‌های ۶۰ میلادی تا به حال، "روان‌شناسان در جمع‌آوری داده‌ها و مطالعات تجربی سهم ارزنده‌ای داشتند ولی نگرش صرفاً مثبت‌گرای آن‌ها که بر خواسته از نگرش علمی آن‌ها به پدیده‌ها بود، در مقابل نگرش هنجار گونه و تجویزی معماران و طراحان محیطی که متأثر از نگرش عملکرد و زیبایی پسندانه آنها بود راه به‌جایی نمی‌برد. بنا به نظر "توماس کوهن" (Thomas Kuhn) نیاز به الگوی جدید و یا پارادایم نوین هنگامی اوج می‌گیرد که الگوهای قبلی قادر به تأمین خواست‌ها و اندیشه‌های علمی روز نیستند" (فتحی آشتیانی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۸). پس به‌صورت کلی، باید پژوهش‌های از نوع مرور سیستماتیک، به‌قصد اهداف بنیادین و برای توسعه معرفت پژوهشگران این حوزه نسبت به جهت، محتوی و روش مطالعات، انجام گیرد. زیرا اساساً مرور ساختاریافته (سیستماتیک)، از روش‌های دستیابی به زمینه‌های موجود در مطالعات کتابخانه به‌قصد یافته‌های سطح بالای پژوهشی و بنیادین است. براین اساس، یافته‌ها بر اساس پابندی به اصول زیر تنظیم شده است:

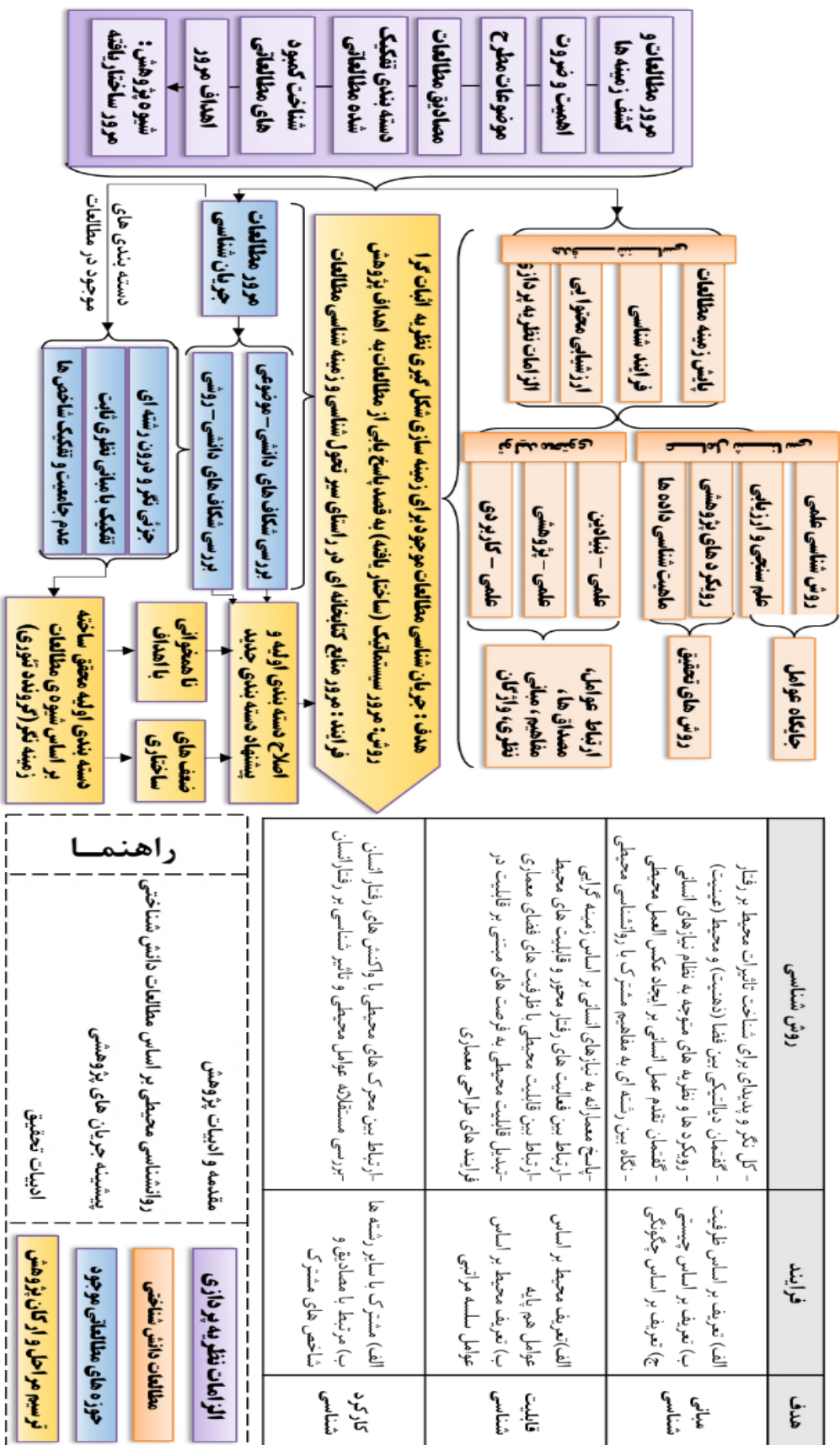
۲) چون "مرور سیستماتیک ناهمخوانی بین شواهد تحقیقاتی موجود را مشخص می‌نماید" (Cook DJ et al, 1997) مناسب مواردی که است که آمیختگی و پیچیدگی بالایی از محتوی کتابخانه‌ای وجود دارد. براین اساس، یافته‌های آن نیز باید به‌قصد روان و مفهوم‌سازی، به صورتی نوشته شوند که منعکس‌کننده سطح معناداری بالاتری از مرور منعکس شده در بدنه پژوهش باشد.

۳) در مرور سیستماتیک، با شناسایی دقیق، منظم و برنامه‌ریزی‌شده تمام مطالعات مرتبط، می‌توان نقد عینی‌تری انجام داد و در مواردی که مطالعات اصلی (Original)، مرورهای کلاسیک سنتی (Narrative) و نظرات مؤلفین با هم اختلاف دارند، می‌تواند به حل مسئله کمک نماید (Egger M, 2001).



سال چهارم، شماره ۲ (پیاپی ۱۵)، تابستان ۱۴۰۰

موضوع و هدف پژوهش حاضر بر اساس نیازسنجی ملی و بین‌المللی (آن‌گونه که افرادی همچون Hall, 2003 بیان کرده‌اند) و در حوزه روان‌شناسی محیطی، انتخاب گردیده است. زیرا به دیده‌او، اگرچه امروزه دسترسی به منابع اطلاعاتی بزرگ به‌سهولت صورت می‌گیرد، اما حتی بهترین بانک‌های اطلاعاتی هم کامل نیستند؛ لذا روش متناسب برای این حجم انباشته شده از تحقیقات روان‌شناسی محیطی از یک سو، و جمع‌بندی و تدوین یافته‌های آنها در معماری، نیاز به روش مروری ساختاریافته دارد. مزیت اصلی مرور سیستماتیک آن است که "وزن داده‌ها" مانع اعمال نظر شخصی و پیش‌داوری مؤلف می‌گردد (Hall, 2003)، زیرا در واقع یک مطالعه مشاهده‌ای بر روی مطالعات انجام شده موجود است (Cook DJ et al, 1997). براین‌اساس، مراحل پیاده‌سازی آن از بین منابع مختلف، تدوین و به‌صورت عملی اجرا گردید. گزارش محتوایی آن، به‌صورت فرایندی، در نمودار زیر گزارش گردیده است. در این نمودار، سه هدف از مطالعات موجود در روان‌شناسی محیطی استحصال شده است که هرکدام شامل فرایند و روش‌های نظری متنوعی هستند. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده گستردگی حوزه نفوذ روان‌شناسی محیطی است که برگرفته از خصوصیت احاطه‌کنندگی محیط (به‌عنوان موضوع روان‌شناسی محیطی) است. دسته‌بندی منابع با استفاده از طی شدن فرایندی است که در روش تحقیق بدان اشاره گردیده است. در ارائه این نتیجه‌گیری، سعی شده است که روش‌شناسی مطرح شده در آن، برگرفته از زمینه‌های مطالعاتی مطرح شده در معماری باشد، تا باعث افزایش همگونی بین محتوای مرور شده و نتایج برگرفته از آن گردد. درنتیجه محققین معماری، در مراجعه به دستاوردهای این پژوهش، قرابت مفهومی بیشتری را با مطالعات فراگرفته خود، داشت نمایند.



منابع

۱. آلمن، ایروین (۱۳۸۲). محیط و رفتار اجتماعی، ترجمه: علی نمازیان، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۲. امامقلی، عقیل و همکاران (۱۳۹۳). روان‌شناسی محیطی عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری. مجله فصلنامه علوم رفتاری، صص ۲۳-۴۰.
۳. بنتلی، ای ی و دیگران (۱۳۸۵). محیط‌های پاسخده، ترجمه مصطفی بهزاد فر، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
۴. پارسا، محمد (۱۳۷۴). روانشناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران: نشر سخن
۵. پورجعفر، محمدرضا، تقوایی، علی اکبر و علیرضا صادقی. (۱۳۸۸). خوانش تأثیر ساماندهی محورهای بصری بر ارتقای کیفیت محیط فضاهای عمومی شهری (نمونه موردی: خیابان آزادی تهران)، فصلنامه مدیریت شهری، (۲۴): ۶۵-۸۰.
۶. جلیلی، محمد. (۱۳۸۹). مروری تحلیلی بر مفهوم محیط در ادبیات روان‌شناسی محیط (ماهیت محیط). منظر، (۱۲): ۳۱-۲۸.
۷. حاتمی، مژگان. (۱۳۹۵). کاربری علم روان‌شناسی محیطی در معماری و طراحی شهری با تأکید بر اصول و معیارهای طراحی مجتمع‌های مسکونی، فصلنامه مدیریت شهری، (۴۲): ۱۵۳-۱۷۸.
۸. حق‌دوست، علی اکبر و شورای نویسندگان. (۱۳۹۳). مرور ساختاریافته و متاآنالیز، مفاهیم، کاربردها و محاسبات. انتشارات گپ.
۹. حقیقت، سید صادق. (۱۳۷۸). تقابل رفتارگرایی و نهاد گرایی در علوم سیاسی، فصلنامه حوزه و دانشگاه، ۱۴(۵۵): ۱۳۹-۱۵۴.
۱۰. راجرز، ریچارد. (۱۳۸۳). معماران بزرگ و طراحی پایدار، ترجمه حمید حسین مردی، مجله آبادی، شماره ۴۳.
۱۱. رازجویان، محمود. (۱۳۷۵). نگاهی به ائتلاف معماری و علوم رفتاری در نیم قرن گذشته، نشریه صفا، (۲۳)
۱۲. رضایی، حسین، کرامتی، غزال، دهباشی شریف، مزین و محمد رضا نصیرسلامی. (۱۳۹۷). تبیین الگووارهای فرآیند روان‌شناختی حصول معنای محیطی و تحقق حس مکان با تمرکز بر نقش واسط ادراک. باغ نظر، ۱۵(۶۵): ۴۹-۶۶.
۱۳. سرمد، زهره، هرنندی بازرگان، عباس و الهه حجازی. (۱۳۹۱). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. چاپ سیزدهم، تهران: آگاه.
۱۴. سلطانی، مهرداد، منصوری، سید امیر و احمد علی فرزین. (۱۳۹۱). تطبیق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری. باغ نظر، (۲۱): ۳-۱۴.
۱۵. سهرابی، محمدرضا. (۱۳۹۲). اصول نگارش مقالات مروری. پژوهنده (مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی). ۱۸(۹۲): ۵۲-۵۶.
۱۶. فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۹۶). تاریخچه روان‌شناسی در ایران. طرح پژوهشی گروه پیراپزشکی، تهران، معاونت علمی، فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران.
۱۷. فرهنگدوست، هادی. (۱۳۹۸). ارائه الگوی طراحی فرایندی در معماری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام رضا ع، دانشگاه امام رضا ع، دانشکده هنر و معماری اسلامی، مشهد.
۱۸. فلاحت، محمدصادق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل تشکیلهنده آن. مجله هنرهای زیبا، (۳۶)
۱۹. کدیور، پروین. (۱۳۷۹). روانشناسی تربیتی، تهران: سمت.
۲۰. کامل نیا، حامد. (۱۳۸۸). دستور زبان طراحی محیط‌های یادگیری، انتشارات سبحان نور
۲۱. کرامتی، غزال. (۱۳۸۷). مبانی ادراک محیط. برای تدریس درس روان‌شناسی محیطی، در مقطع کارشناسی ارشد معماری، برگرفته از چارچوب نظری رساله دکتری.
۲۲. لطیفی، امین، و حسن سجاد زاده. (۱۳۹۴). ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کیفیت محیطی بر الگوهای رفتاری در پارک‌های شهری. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری. (۱۱): ۵-۲۰.
۲۳. لنگ، جان. (۱۳۸۶ و ۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. مترجم: علیرضا عینی فر، تهران: دانشگاه تهران، (نشر اصلی ۱۹۸۷).
۲۴. لینچ، کوین. (۱۳۷۶). تئوری شکل خوب شهر. چاپ اول. موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۲۵. محمودی کوروش و امیر شکیبامنش. (۱۳۸۴). اصول و مبانی رنگ شناسی در معماری و شهرسازی. طحان: هله، تهران.
۲۶. مطلبی، قاسم. ۱۳۸۵، بازشناسی نسبت فرم با عملکرد در معماری. نشریه هنرهای زیبا، (۲۵): ۵۵-۶۴.

۲۷. مک، اندرو، و فرانسیس تی. (۱۳۷۸). روان‌شناسی محیطی. مترجم: غلامرضا محمودی، چاپ اول، زرباف اصل، تهران.
۲۸. ملبوس باف، رامین، و فریدون عزیزی. (۱۳۸۹). مرور سیستماتیک "Systematic Review" چیست و چگونه نگاشته می‌شود؟ پژوهش در پزشکی (مجله پژوهشی دانشکده پزشکی شهید بهشتی)، ۳۴(۳): ۲۰۳-۲۰۷.
۲۹. نقدبیشی، رضا، برق جلوه، شهیندخت، اسلامی، سید غلامرضا، و حامد کامل نیا. (۱۳۹۵). الگوی آموزش معماری بر اساس نظریه قابلیت‌های محیطی گیسون. هویت شهر، ۱۰ (۲۶): ۷۵-۸۴.
۳۰. نقره‌کار، عبدالحمید، مظفر، فرهنگ و سمانه تقدیر. (۱۳۹۳). بررسی قابلیت‌های فضای معماری برای ایجاد بستر پاسخ‌گویی به نیازهای انسان از منظر اسلام. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۵(۱): ۲۱-۳۴.
۳۱. نمازیان، علی و فاطمه قارونی. (۱۳۹۲). حلقه گم شده روان‌شناسی محیط در آموزش معماری. نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۵(۱۲۱-۱۳۱).
۳۲. ویتینگ، آرنو. (۱۳۸۶). مقدمه روان‌شناسی، مترجم: مهدی محی‌الدین بناب، چاپ اول، تهران: انتشارات رشد.
33. Barker, R, G (1968). Ecological Psychology, Stanford, Ca: Stanford University Press.
34. Baumeister RF, Leary MR. (1997) Writing narrative literature reviews. Rev Gen Psychol ;1(3):311-20
35. Clements. M. A & Ellerton. Nerida. F (1996). Mathematics education research: past, present and future. UNESCO. Principal Regional Office for Asia and the Pacific. Bangkok
36. Cook DJ, Mulrow CD, Haynes RD. Systematic reviews: synthesis of best evidence for clinical decisions. Ann Intern Med 1997; 126: 376-80.
37. Cook DJ, Mulrow CD, Haynes RD. Systematic reviews: synthesis of best evidence for clinical decisions. Ann InternMed 1997; 126: 376-80
38. Denyer, David, Tranfield, David. (2009). Producing a systematic review. Sage Publications Ltd.
39. Egger M, ed. Systematic reviews in health care. 2nd ed. London: BMJ publishing group; 2001. p.23-86
40. Eryaman, M. (2010). Behaviorism. In C. Kridel (Ed.), Encyclopedia of curriculum studies. (pp. 294-295). Thousand Oaks, CA: SAGE Publications,
41. Fleury-Bahi, Ghazlane. Pol, Enric. Navarro, Oscar. (2017), Handbook of Environmental Psychology and Quality of Life Research, Switzerland: Springer International Publishing.
42. Gosling, S.D, Gifford, R, & Mccuan, L. (2014), Environmental perception and interior design. The Body, Behavior, and Space, (242): 278-290.
43. Hall GM. How to Write a Paper. 3rd ed. London: BMJ Publishing Group; 2003
44. Higgins JPT, Green S. Cochrane handbook for systematic reviews. Version 5.0.0: The Cochrane Collaboration; 2008.
45. Painho M. Curvelo P. Jovani I. (2007). Curriculum design in GIS & Sc within ISEGI-UNL.
46. Porteous, J.D. (1977), Environment and Behavior: planning and everyday urban life. Reading, MA: Addison-Wesley.
47. Relph, E. (1976). Place and Placelessness. London: Pion
48. U.S. National Library of Medicine, National Institutes of Health. Systematic Review definition. [cited 2013 June, 24]; Available from: <http://www.nlm.nih.gov/nichsr/hta101/ta101014.html>.
49. van Kamp, Irene, Leidelmeijer, Kees, Marsman, Gooitske, de Hollander, Augustinus. (2003). Urban environmental quality and human well-being Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study. Landscape and Urban Planning, (65) 5-18
50. Violich, F; (1983); Urban Reading And The Design Of Small Urban Places, The Village Of Sutivan, Town Planning Review, Vol. 54, 1983, Pp.41-62.